

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۱

(صص ۵-۳۰)

دستگاه فعل در گویش طاری

محمد مهدی اسماعیلی*

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله توصیف و بررسی دستگاه فعل در گویش طاری از گروه گویش‌های مرکزی ایران است. طار روستایی کهن است که در دهستان طَرَق‌رود و در بخش مرکزی شهرستان نطنز استان اصفهان قرار گرفته است. گویش طاری یکی از گویش‌های بازمانده از زبان پارسی میانه و از شاخه شمال‌غربی زبان‌های ایرانی نو است که با گویش‌های طَرَقی، کِشه‌ای و برخی دیگر از گویش‌های منطقه نطنز که دارای ساخت کُنایی هستند، همانندی و شباهت‌هایی دارد. در این پژوهش، با ارائه شواهد و نمونه‌هایی از گویش طاری، ضمن معرفی مشخصه‌های تصریفی این گویش مانند زمان، وجه، نمود، جهت، سببی‌سازی، مطابقه (با وندهای فاعلی و ضمیرهای پی‌بستی) و منفی‌سازی؛ هم‌چنین رابطه تصریفی ستاک حال و گذشته و صفت مفعولی و مصدر، شیوه ساخت صیغگان‌های مختلف فعل ارائه و توضیح داده شده است. داده‌های مقاله حاضر تماماً به

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

روش میدانی و از طریق مصاحبه و گفتگو با سه گویشور میان‌سال و سالمند طاری گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: گویش طاری، گویش‌های مرکزی، مشخصه‌های تصریفی، ستاک‌های فعل، ساخت‌کنایی

۱. مقدمه

هدف این مقاله توصیف و بررسی دستگاہ فعل در گویش طاری است. طار که در گویش محل «دار» نامیده می‌شود، روستایی کهن و خوش‌آب‌وهوا با جمعیتی حدود ۱۵۰ نفر (۱۴۳ نفر طبق سرشماری مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۵) است، که در دهستان طَرق‌رود و در بخش مرکزی شهرستان نطنز (در فاصله حدوداً ۴۰ کیلومتری جنوب غربی شهر نطنز و در دامنه جنوبی کوه کرکس) واقع شده است. گویش طاری به‌علت کوهستانی‌بودن منطقه و انزوای نسبی مردم آن، تا پنج‌شش دهه پیش گویشی زنده بوده؛ ولی در سال‌های اخیر به‌دلیل مهاجرت بیشتر اهالی آن به دیگر شهرها به‌ویژه تهران، و متعاقباً کاسته‌شدن از شمار گویشورانش، اکنون گویشی روبه‌زوال است و فقط در میان جمعیت کهنسال و میانسال این روستا رواجی نسبی دارد. گویش طاری (در تلفظ محلی «داری») به‌همراه دیگر گویش‌های روبه‌فراموشی منطقه نطنز و کاشان (مانند ابیان‌های نطنزی، فَریزندی، یارتندی، بیده‌ندی، فُهرودی، ابوزیدآبادی، طَرقی و کِشه‌ای)، به زیرگروه شمال شرقی گویش‌های مرکز ایران تعلق دارد.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش درباره گویش طاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رفعت‌الزمان آهور (۱۳۴۸) با عنوان «بررسی سیستم کارواژه در گویش تار» (به راهنمایی دکتر بهرام فره‌وشی، گروه زبان‌شناسی

دانشگاه تهران) است. در این اثر که متأسفانه به شکل بسیار نامطلوب و پراشتباهی تایپ شده، پس از اشاره‌ای کوتاه به ضمائر شخصی، در فصل دوم چند ساخت فعلی این گویش ارائه شده است. دو فصل پایانی نیز شامل چندین ضرب‌المثل و داستان و یک واژه‌نامه است. دومین پژوهش اثر محقق بلژیکی، پیر لُکوک (۲۰۰۲) با عنوان «پژوهش‌هایی درباره گویش‌های کرمانی (ایران مرکزی)» از مجموعه «آکتا ایرانیکا» (جلد ۳۹) است. این کتاب به بررسی نه گویش مرکزی رایج در استان اصفهان و از آن میان گویش طاری پرداخته است (هشت گویش دیگر اینها هستند: ایبانه‌ای، آبوزیدآبادی، اردستانی، انارکی، نایینی، قُهرودی، ورزته‌ای و بادرودی). این اثر که در اصل رساله دکتری نامبرده بوده و مواد گویشی آن بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ گردآوری شده، شامل دستور، چندین متن، ترجمه متون و واژه‌نامه این گویش‌ها است که البته کاستی‌ها و ایراداتی هم دارد. اسماعیلی (۱۳۹۰) نیز براساس شیوه‌نامه گردآوری گویش‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی، این گویش را معرفی و بررسی کرده است. در مقاله پیش‌رو که داده‌های آن در تحقیق میدانی نگارنده گردآوری شده، کوشش شده که دستگاه فعل گویش طاری به‌عنوان یکی از گویش‌های مرکزی ایران معرفی و توصیف شود.

۳. مشخصه‌های تصریفی فعل در گویش طاری

فعل دارای مشخصه‌های (مقولات) تصریفی زمان، وجه، نمود، جهت، گذرابی، شمار و شخص است که در ادامه به هریک پرداخته می‌شود.

۳-۱. زمان دستوری

در طاری مانند بیشتر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، تمایز زمان دستوری، دوشقی است، یعنی چون که ساخت خاصی برای زمان آینده ندارد می‌توان آن را دارای تقابل دوشقی، میان زمان گذشته با غیرگذشته (حال-آینده) به شمار آورد. بر همین اساس همه صیغگان‌های فعلی بر پایه دو ستاک

حال و گذشته شکل می‌گیرند. ستاک حال فقط در سه ساخت حال استمراری (اخباری)، حال التزامی و وجه امری؛ و ستاک گذشته (به‌علاوه صفت مفعولی) در بقیه ساخت‌های فعلی به کار می‌رود. میان دو ستاک حال و گذشته فعل، رابطه صرفی منظم و دقیقی که بتواند همواره همه افعال را شامل شود وجود ندارد. برای همین، از نظر ارتباط ساختی بین دو ستاک حال و گذشته، افعال را می‌توان به دو گروه کلی باقاعده و بی‌قاعده دسته‌بندی کرد.

۳-۱-۱. فعل‌های باقاعده

در این دسته از افعال، ستاک گذشته معمولاً با افزوده‌شدن پسوند گذشته‌ساز *-â* (که صورت تغییر یافته پسوند *-ād* در زبان پارسی است) به ستاک حال و بدون ایجاد هیچ تغییر آوایی در آن ساخته می‌شود. این دسته را می‌توان «ستاک‌های گذشته باقاعده واکه‌ای» (پایان یافته به واکه) نامید. در جدول زیر این افعال معرفی شده‌اند.

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
لرزیدن	larz- > larz-â-	شنیدن	ayn- > ayn-â-
مالیدن	mâl- > mâl-â-	برخاستن	oss- > oss-â-
فکر کردن	men- > men-â-	ارزیدن	aži- > aži-yâ-
نهادن	n- > n-â-	بخشیدن	baxš- > baxš-â-
نالیدن	nâl- > nâl-â-	چسبیدن	čaws- > čaws-â-
پریدن	par- > par-â-	چریدن	čer- > čer-â-
پرسیدن	pars- > pars-â-	نشاندن	čin- > čin-â-
پوسیدن	püs- > püs-â-	دزدیدن	dozz- > dozz-â-
رسیدن	rass- > rass-â-	قرارداشتن	ešt- > ešt-â-
توانستن	š- > š-â-	شناختن	eynâs- > eynâs-â-
دادن	t- > t-â-	فهمیدن	fahm- > fahm-â-
ترسیدن	tars- > tars-â-	گندیدن	gand- > gand-â-

gel- > gel-â-	گشتن، شدن	tâš- > tâš-â-	تراشیدن
gür- > gür-â-	دریدن	vešt- > vešt-â-	ایستادن
gürn- > gürn-â-	افروختن	vöš- > vöš-â-	جوشیدن
hrasn- > hrasn-â-	فرستادن	vsönj- > vsönj-â-	شکافتن
jümb- > jümb-â-	جنیدن	xand- > xand-â-	خندیدن
kâv- > kâv-â-	کاویدن	xor- > xor-â-	خاریدن
kiš- > kiš-â-	کشیدن	zok- > zok-â-	نالیدن
kol- > kol-â-	شلیدن	zun- > zun-â-	دانستن
köv- > köv-â-	کویدن	žv- > žv-â-	گشتن (تفریح کردن)

در دسته کوچکتري از افعال باقاعده، نشانگر زمان گذشته، پسوند *-t* / *d* است. این دسته را می توان «ستاک‌های گذشته باقاعده همخوانی» (پایان یافته به همخوان) نامید:

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
جویدن	žâr- > žâr-d-	بافتن	bâf- > bâf-t-
ماندن	mun- > mun-	چشیدن	čiš- > čiš-t-
بریدن	vun- > vun-d-	پوشیدن	pöš- > pöš-t-
خواندن	xun- > xun-d-	شکافتن	škâf- > (e)škâf-t-
آوردن	âr- > âr-d-	داشتن	dâr- > dâr-d-
آردکردن	har- > har-d-	شکستن	hmar- > h(e)mar-d-
سپردن	spâr- > spâr-d-	پاره کردن	hvar- > h(e)var-d-

فعل زیر تنها مثالی است که پسوند گذشته ساز *-t* در اثر همگونی با همخوان پایانی ستاک حال، دچار تغییر آوایی شده است:

مصدر فارسی	ستاک گذشته	ستاک حال
انداختن، زدن	xoss-	*xos-t- → xos-

۳-۱-۲. فعل‌های بی‌قاعده

در این گروه که ستاک گذشته، به‌جز چند استثناء، همیشه به همخوان ختم می‌شود، معمولاً رابطه ساختی و تصریفی قاعده‌مند و منظمی میان دو ستاک حال و گذشته وجود ندارد و در بسیاری از موارد با افزودن پسوند گذشته‌ساز، تغییرات آوایی کم یا زیادی در ستاک حال رخ می‌دهد. فعل‌های این گروه را بر اساس واج پایانی ستاک گذشته می‌توان به دو دسته همخوانی (پایان‌یافته به همخوان) و واکه‌ای (پایان‌یافته به واکه) تقسیم کرد.

در دسته نخست واج پایانی ستاک گذشته همواره انسدادی دندانی /t/ یا /d/ است که مثال‌های آن در جدول زیر ارائه شده است.

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
وزن کردن	sanj- > sat-	دوختن	darz- > dašt-
پاره کردن	vsönj- > fesest-	دوشیدن	döš- > dot-
آبیاری کردن	henj- > het-	آموختن	hmos- > h(e)mot-
مکیدن	moj- > mot-	فروختن	hrâš- > h(e)rât-
پختن	peč-, wč- > pax-	خواهیدن	hos- > hot-
پیچیدن	pič- > pet-	گشتن	keš- > košt-
ریختن	rej- > ret-	ریدن	mez- > mešt-
ساختن	sâj- > sât-	نوشتن	nves- > nevešt-
سوختن	söj- > sot-	ریسیدن	res- > rešt-
بیختن، کندن	vöj- > vat-	سرشتن	rseš- > serešt-
گفتن	vâj- > vât-	رفتن	röv- > rot-
شاشیدن	tâj- > tât-	دویدن	vöz- > vašt-
زن گرفتن	xâs- > xâšt-	یافتن	vöz- > vöšt-
گذاشتن	hal- > hašt-	آمدن	y- > uma-, und-
کاشتن	kâr- > kašt-	بردن	ber-, rb- > bard-

gir- > gat-	گرفتن	mir- > mard-	مردن
hangâr- > hangâšt-	صحبت کردن	šör- > šöšt-	شستن
ker- > kard-	کردن	xer- > xârd-	خوردن
ken- > kand-	کندن	yver- > yvašt-	گذشتن
neg- > čašt-	نشستن	rbumb- > rbat-	گریستن
neg- > ni-	بردن	k- > kat-	افتادن

فعل زیر تنها مثالی است که پسوند گذشته‌ساز در اثر تغییرات آوایی تاریخی به همخوان صفیری /s/ تبدیل شده است:

مصدر فارسی	ستاک گذشته و حال
بستن	band- > bass-

ولی در دسته دوم از این افعال، که فقط پنج فعل جدول زیر را شامل می‌شود، ستاک گذشته به واکه -i ختم می‌شود:

مصدر فارسی	ستاک گذشته/ستاک حال	مصدر فارسی	ستاک گذشته/ستاک حال
زدن (نواختن)	ž(e)n- > ži-	چیدن	čen-, šn- > či-
خریدن	hrin- > hiri-	دیدن	vön-, yn- > di-
-----	-----	آوردن	un- > uni-

۳-۱-۳. فعل‌های دارای دو ستاک گذشته

چهار فعلی که در زیر معرفی شده‌اند، بر اثر تغییر و تحولات آوایی تاریخی، استثنائاً دارای دو ستاک گذشته‌اند که هر دو بی‌قاعده‌اند و هر کدام (یکی همخوانی و دیگری واکه‌ای) در یکی از ساخت‌های فعلی به کار می‌رود:

مصدر فارسی	ستاک گذشته همخوانی	ستاک گذشته واکه‌ای	ستاک حال
آمدن	und-	uma-	y-
رفتن	št-	šo-	š-
بودن	bed-	bo-	b-
شدن	vd-	bo-	b-

۳-۱-۴. صفت مفعولی

صفت مفعولی با اضافه‌شدن پسوند *a-* به ستاک گذشته ساخته می‌شود. همخوانِ انسدادی پایانی ستاک‌های گذشته گهگاه مشدد می‌شود. در ستاک‌های گذشته واکه‌ای نیز به دلیل التقای دو واکه، همخوان ناسوده /y/ میانجی می‌شود.

فارسی	صفت مفعولی > ستاک گذشته	فارسی	صفت مفعولی > ستاک گذشته
گفته	vât- > vâtt-a	کشته	košt- > košt-a
داده	tâ- > tâ-y-a	پخته	pax- > pax-a

صفت مفعولی چهار فعلی که استثنائاً دو ستاک گذشته دارند (یعنی «آمدن»، «رفتن»، «بودن» و «شدن») از ستاک گذشته همخوانی آنها ساخته می‌شود.

فارسی	صفت مفعولی	ستاک گذشته همخوانی	ستاک گذشته واکه‌ای
بوده	beda-	bed-	bo-
شده	vda-	vd-	bo-
آمده	unda-	und-	uma-
رفته	šta-	št-	šo-

۳-۲. نمود

در این گویش دو نمود وجود دارد: ناقص و کامل. نشانه نمود ناقص پیشوند *a-* است که فقط در دو ساخت حال استمراری/اخباری و گذشته استمراری دیده می‌شود. این پیشوند دارای تکواژگونه *at-* است که پیش از ستاک‌های آغازشده با واکه می‌آید. غیر از این دو ساخت، در بقیه ساخت‌های فعلی هر سه وجه، پیشوند یا پیش فعل *be-* (پیش از واکه *b-*) به کار می‌رود. پیش فعل *be-* در صورت وجود پیشوند اشتقاقی فعل ظاهر نمی‌شود. به بیانی دیگر در ساخت افعال پیشوندی و مرکب، پیشوند اشتقاقی و عنصر غیرفعلی، نقش پیش فعل را ایفا می‌کنند، مانند نمونه زیر:

بگیر (= بستان) <i>hâ-gi</i>	برگیر (= بردار) <i>âr-gi</i>	بگیر (= نگاه‌دار) <i>be-gi</i>
-----------------------------	------------------------------	--------------------------------

۳-۳. وجه

در این گویش سه وجه وجود دارد: اخباری، التزامی و امری. غیر از یک ساخت امری (شامل دو صیغه) و دو ساخت التزامی (حال التزامی و گذشته التزامی)، دیگر ساخت‌ها همگی به وجه اخباری هستند. غیر از دو ساخت حال استمراری/اخباری و گذشته استمراری که در تصریفشان از پیشوند نمود ناقص *a-* استفاده می‌شود، در بقیه ساخت‌های فعلی (اخباری، التزامی و امری) پیشوند نمود کامل یا پیش فعل *be-* به کار می‌رود. به عبارت دیگر، پیش فعل *be-* فقط نشانگر وجه التزامی و امری نیست؛ بلکه برای وجه اخباری نیز کاربرد دارد. براین اساس می‌توان گفت که ظاهراً مقوله نمود در نظام تصریف افعال مهم‌تر از مقوله وجه است. جدول زیر کاربرد این دو پیشوند تصریفی را نشان می‌دهد:

جدول ۱. کاربرد دو پیشوند نمود ناقص و کامل در ساخت‌های فعلی

ساخت‌های فعلی	وجه	نمود	
a-hos-a	حال استمراری < «می خوابد»	ناقص	
a-hot	گذشته استمراری < «می خوابید»		
be-hot	گذشته ساده < «خوابید»	اخباری	
be-hotta-ya	حال کامل < «خوابیده است»		
be-hotta-bo	گذشته کامل < «خوابیده بود»		
be-hos-a	حال التزامی < «بخوابد»	التزامی	
be-hotta-bö	گذشته التزامی < «خوابیده باشد»		
be-hos	امری < «بخواب»	امری	کامل

۳-۴. مطابقه (شخص و شمار)

مطابقه به کمک دو نوع نشانه مشخص می‌شود: یک) با شناسه‌های فعلی در تصریف همه ساخت‌های گذشته و حال افعال لازم و نیز حال افعال متعدی؛ دو) با ضمائر پی‌بستی فقط در تصریف ساخت‌های گذشته افعال متعدی و نیز زمان حال برخی افعال وجهی.

۳-۴-۱. شناسه‌های فعلی

این شناسه‌ها به جز ساخت‌های گذشته افعال متعدی در بقیه ساخت‌ها به کار می‌روند:

شمار و شخص	ساخت‌های حال	ساخت‌های گذشته	امری
اشم	-un	-un	
اشم ^۲	-e	-e	-Ø / -e

اش ^۳ م	-a / -ö	-Ø	
اش ^ج	-im	-im	
اش ^۲ ج	-id	-id	-id
اش ^۳ ج	-and	-and	

همخوان خیشومی پایانی شناسه اول شخص مفرد، وضعیتی تقریباً ناپایدار دارد و گاهی حذف می‌شود. لُکوک (۱۱۶: ۲۰۰۲) این شناسه را به صورت <ö> ثبت کرده است. همان‌گونه که مشخص است، شناسه‌های حال و گذشته، به‌جز شناسه سوم شخص مفرد کاملاً یکسان‌اند. شناسه سوم شخص مفرد سه تکواژگونه دارد: پسوند a- در ساخت‌های حال، پسوند ö- فقط در صیغگان حال سه فعل «رفتن»، «شدن» و «بودن»؛ و -Ø (تکواژ صفر) در ساخت‌های گذشته. مثال‌های زیر برای نمونه ارائه شده است:

شناسه a-	a-mir-a	می‌میرد	be-mir-a	بمیرد
شناسه Ø-	a-mard-Ø	می‌مُرد	be-mard-Ø	مُرد
	a-š-ö	می‌رود	be-š-ö	برود
	a-b-ö	می‌شود	be-b-ö	بشود
شناسه ö-	b-ö	باشد		

شناسه صیغه دوم شخص مفرد امر تکواژ صفر است، ولی در چند مورد استثنائاً شناسه e- به کار می‌رود.

۳-۴-۲. ضمائر پی‌بستی

این ضمائر علاوه بر نقش مضاف‌الیهی/ملکی‌شان هنگام پیوستن به اسم، در ساخت‌های گذشته افعال متعدی نشانه فاعل‌اند و نقش شناسه فعلی را ایفا می‌کنند.

اش ^۱ م = (e)m	اش ^۱ ج = (e)mun
اش ^۲ م = (e)d	اش ^۲ ج = (e)dun
اش ^۳ م = (e)š	اش ^۳ ج = (e)šun

۳-۵. گذرایی

تمایز افعال متعدی و لازم فقط در تصریف ساخت‌های گذشته آنها نمود می‌یابد، به این صورت که ساخت‌های گذشته افعال لازم با شناسه فعلی، و ساخت‌های گذشته افعال متعدی با ضمائر پی بستنی (ساخت کُنایی یا اِرگاتیو) صورت می‌گیرد. در ساخت‌های حال تفاوتی بین این دو فعل نیست. مثال‌های زیر بیانگر این مطلب‌اند:

فعل متعدی	فعل لازم
a-kâr-and (می‌کارند (حال))	a-vöz-and (می‌دوند (حال))
a=šun-kašt (می‌کاشتند (گذشته))	a-vašt-and (می‌دویدند (گذشته))

۳-۶. سببی‌سازی

پسوندها -n به ستاک حال افعال لازم و متعدی وصل شده و صورت سببی متناظر آنها را می‌سازد. ستاک گذشته افعال سببی همیشه باقاعده بوده و با پسوند گذشته‌ساز -â ساخته می‌شود، مانند نمونه‌های زیر:

فعل غیر سببی			فعل سببی		
مصدر فارسی	ستاک	ستاک حال	مصدر	ستاک گذشته	ستاک حال
چریدن	čerâ-	čer-	چرانیدن	čer-n-â-	čer-n-
گشتن	gelâ-	gel-	گردانیدن	gel-n-â-	gel-n-
آموختن	hmos-	hmos-	آموزانیدن	hmos-n-â-	hmos-n-

hos-	hot-	خوابیدن	hos-n-	hos-n-â-	خوابانیدن
tars-	tarsâ-	ترسیدن	tars-n-	tars-n-â-	ترسانیدن
vöš-	vöšâ-	جوشیدن	vöš-n-	vöš-n-â-	جوشانیدن
yver-	yvašt-	گذشتن	yver-n-	yver-n-â-	گذرانیدن

وند سببی دارای تکواژگونه‌ای به صورت -en است که فقط در ساخت امری دوم شخص مفرد به کار می‌رود:

غیر سببی			سببی	
be-gel	بگرد	>	be-gel-en	بگردان
be-hos	بخواب	>	be-hos-en	بخوابان
be-tars	بترس	>	be-tars-	بترسان
be-vöš	بجوش	>	be-vöš-en	بجوشان

در برخی افعال با پیوستن وند سببی، تغییراتی آوایی در ستاک حال فعل رخ می‌دهد.

غیر سببی			سببی	
jämb-	جنب-	>	*jämb-n- > jüm-n-	جنبان-
xand-	خند-	>	*xand-n- > xan-n-	خندان-
dar-gir-	درگیر-	>	*dar-gir-n- > dar-gür-n-	درگیران-
rass-	رس-	>	*rass-n- > ras-n-	رسان-
zâ-	زای-	>	*zâ-n- > ze-n-	زایان-
söj-	سوز-	>	*söj-n- > sü-n-	سوزان-

در مثال زیر سببی‌سازی تکمیلی است و از فعل دیگری استفاده شده است:

مصدر فارسی	ستاک	ستاک حال	مصدر فارسی	ستاک	ستاک حال
نشستن	hâ-čast-	hâ-neg-	نشاندن	hâ-čen-â-	hâ-čen-

۳-۷. جهت

مجهول در این گویی‌شناسی تصریفی است و با افزودن پسوند *-i* به ستاک حال ساخته می‌شود. ستاک گذشته مجهول نیز همواره باقاعدهٔ واکه‌ای است و با پسوند گذشته‌ساز *-â* ساخته می‌شود. مثال‌های زیر برای نمونه ارائه شده است:

ستاک فارسی	ستاک گذشته	فارسی	ستاک فارسی	ستاک گذشته
گفته‌شدن	vâj-i-yâ	گفتن	vât-	vâj-
پاره‌شدن	hvar-i-yâ	پاره‌کردن	h(e)vard-	hvar-
بسته‌شدن	band-i-yâ	بستن	bass-	band-

در مثال زیر علاوه بر صورت غیرسببی فعل، ساخت مجهول از ستاک سببی فعل نیز مفهوم و معنای فعل لازم را می‌رساند:

مصدر فارسی	ستاک گذشته	ستاک حال
درگرفتن (روشن شدن، شروع شدن)	dar-gat-	dar-gir-
درگیرانیدن (روشن کردن)	dar-gür-n-â-	dar-gür-n-
درگیرانیده شدن (روشن شدن)	dar-gür-n-i-yâ-	dar-gür-n-i-

ساخت مجهول گهگاه با تغییرات آوایی در ستاک حال فعل (از جمله سایشی شدن همخوان پایانی و افراستگی بیشتر واکه) همراه است، مانند نمونهٔ زیر:

مصدر فارسی	ستاک گذشتهٔ مجهول	ستاک حال مجهول	ستاک حال معلوم
ریخته‌شدن	riš-i-yâ-	*reĵ-i- > riš-i-	reĵ-
پخته‌شدن	piš-i-yâ-	*peč-i- > piš-i-	peč-

مجهول غیرتصریفی با فعل معین «شدن» گاهی نیز به کار می‌رود (ظاهراً به قیاس فارسی):

فارسی	مجهول غیرتصریفی	مجهول تصریفی
کشته شد	košta bebo	be-kiš-i-yâ

۳-۸. منفی‌سازی

نشانه نفی پیشوند **ne**- است. تکواژگونه **n**- فقط پیش از **وند** نمود ناقص **a**- می‌آید. فعل نهی با پیشوند **ma**- ساخته می‌شود. نشانه نفی با **وند** نمود کامل **be**- همنشینی ندارد و جانشین آن می‌شود. مثال زیر بیانگر این مطلب است:

فعل منفی	فعل مثبت
گریه نکرد	ne-rbat گریه کرد
گریه نمی‌کرد	n-a-rbat گریه می‌کرد
گریه نمی‌کند	n-a-rbumb-a گریه می‌کند
گریه مکن	ma-rbumb گریه کن

فعل نهی (امر منفی) با قرار گرفتن **وند ma**- به جای **وند نمود کامل be**- ساخته می‌شود:

نخر	ma-hrin	نخواب	ma-hos
نخرید	ma-hrin-id	نخوابید	ma-hos-id

۳-۹. ساخت‌های فعلی

ساخت‌های حال افعال لازم و متعدی با هم فرقی ندارند و هر دو با شناسه‌های فعلی صرف می‌شوند. ولی در ساخت‌های گذشته این افعال تفاوت دیده می‌شود، به این معنی که افعال لازم با شناسه‌ها صرف می‌شوند، ولی در افعال متعدی ضمائر پی‌بستی نقش مطابقت با فاعل را ایفا می‌کنند

که این ساخت به کُنایی معروف شده است. قواعد مذکور در چند مورد استثنائی رعایت نمی‌شود، از جمله صیغگانِ حال برخی افعال وجهی (مانند «بایستن») که صرف به اصطلاح کُنایی دارند.

۳-۹-۱. حال استمراری (اخباری)

این ساخت که در افعال لازم و متعدی یکسان است با هم‌نشینی و توالیِ این تکواژها شکل می‌گیرد: پیشوند نمود ناقص + ستاک حال + شناسهٔ فعلی.

فعل لازم	فعل متعدی
a-hos-un	می‌خرم
a-hos-e	می‌خری
a-hos-a	می‌خرد
a-hos-im	می‌خریم
a-hos-id	می‌خرید
a-hos-and	می‌خرند

در ساخت چند فعل که واکهٔ هجای نخستِ ستاک حالشان واکهٔ کوتاه /e/ است، این واکه حذف می‌شود. در جدول زیر برای اختصار فقط صورت سوم شخص مفرد این چند فعل ارائه شده است:

akša	< *a-keš-a	می‌کُشد	aplâsa	< *a-pelâs-a	می‌پلاسَد
akna	< *a-ken-a	می‌کَنَد	atrakna	< *a-terakn-a	می‌ترکانَد
akra	< *a-ker-a	می‌کُند	ahrâša	< *a-herâš-a	می‌فروشد
anga	< *a-neg-a	می‌بَرَد	ahrin-	< *a-hirin-a	می‌خرد
axra	< *a-xer-a	می‌خورد	ahmara	< *a-hemar-a	می‌شکند
ažna	< *a-žen-a	می‌زند	ahvara	< *a-hevar-a	می‌دَرَد

ažva	< *a-žev-a	می‌گردد	ahrasna	< *a-herasn-a	می‌فرستد
anvesa	< *a-neves-	می‌نویسد	-----		-----

حذف فوق‌الذکر در چند مورد زیر با تغییرات آوایی دیگری از جمله سایشی شدن همخوان اول ستاک حال و یا قلب همخوان‌های ستاک حال نیز همراه است.

ašna	< a-čen-a	می‌چیند	awča	< a-peč-a	می‌پزد
hâ-ašna	< hâ-a-čen-a	می‌نشانَد	ayna	< a-vön-a	می‌بیند
arba	< a-ber-a	می‌برد	ayvera	< a-vyer-a	می‌گذرد
aršeša	< a-sereš-a	می‌سرشد	arbumba	< a-brumb-a	می‌گرید

در تصریف فعل «گفتن» حذف هجای دوم صورت فعلی (همخوان و واکنه آغازی ستاک حال) رخ می‌دهد:

a(vâ)ʃun	می‌گویم	a(vâ)ʃim	می‌گویم
a(vâ)ʃe	می‌گویی	a(vâ)ʃid	می‌گوید
a(vâ)ʃa	می‌گوید	a(vâ)ʃand	می‌گویند

اگر مفعول مستقیم به صورت ضمیر پی‌بستی به فعل بیبندد، ستاک حال به صورت اصلی خود ظاهر می‌گردد. ضمیر پی‌بستی مفعولی پس از وند نمود (ناقص یا کامل) قرار می‌گیرد. در صیغه دوم شخص مفرد امری نیز واکنه ستاک حال حذف نمی‌شود:

امری	با مفعول	بدون مفعول
بکش	می‌کُشدت	a=d-keš-a
ببر	می‌بردش	a=š-neg-a

a-yn-a	می‌بیند	a=m-vön-a	می‌بیندم	be-yn	بین
a-wč-a	می‌بزد	a=š-peč-a	می‌بزدش	be-peč	بیز

در افعالی که ستاک حالشان با واکه شروع می‌شود، وند نمود ناقص به‌جای a-، به‌صورت -at ظاهر می‌شود:

at-âr-and	می‌آورند (با مفعول بی‌جان)
at-un-and	می‌آورند (با مفعول جاندار)
âr-at-ayn-and	می‌شنوند (فعل پیشوندی)

۳-۹-۲. حال التزامی

این ساخت که در افعال لازم و متعدی یکسان است با هم‌نشینی و توالی این تکواژها شکل می‌گیرد: پیش‌فعل + ستاک حال + شناسه فعلی.

فعل لازم	فعل متعدی
be-hos-un	بخرم
be-hos-e	بخری
be-hos-a	بخرد
be-hos-im	بخریم
be-hos-id	بخرید
be-hos-and	بخرند

۳-۹-۳. امری

این ساخت که فقط دو صیغه دارد با هم‌نشینی و توالی این تکواژها شکل می‌گیرد: پیش فعل + ستاک حال + شناسه فعلی

فعل متعدی	فعل لازم
be-hrin بخر	be-hos بخواب
be-hrin-id بخريد	be-hos-id بخوابيد

صورت دوم شخص مفرد امری فعل «آمدن» تکمیلی است و با ستاک حال فعل یعنی y-هیچ شباهت آوایی ندارد:

ma-to نیا / میا	بیا	b-ore
ma-y-id نیايد / میايد	بیايد	be-y-id

در صیغه دوم شخص مفرد چند فعل در جدول پایین، همخوان پایانی ستاک حال حذف می‌شود. این همخوان محذوف معمولاً واجی لرزشی است. حذف مذکور در دوم شخص جمع رخ نمی‌دهد:

دوم شخص جمع	دوم شخص مفرد
be-br-id > berbid ببريد	*be-ber > bebe ببر
be-kr-id بکنيدي	*be-ker > beke بکن
be-xr-id بخوريد	*be-xer > bexo بخور
hâ-gir-id بگيريد	*hâ-gir > hâgi بگیر
be-hangâr-id حرف بزنيدي	*be-hangâr > behangâ حرف
be-vâj-id بگوويد	*be-vâj > bevâ بگو

دوم شخص مفرد امری چند فعل زیر به جای شناسه صفر، با شناسه e- صرف می‌شود (احتمالاً برای جلوگیری از ایجاد فعل تک‌هجایی):

be-b-e	بشو	be-žv-e	بگرد
be-š-e	برو	dar-k-e	بیافت
b-âr-e	بیاور	v-ešd-e	بایست

صیغه‌های امری فعل «بودن» به علت نداشتن پیش‌فعل، تک‌هجایی هستند. امری فعل «دانستن» به صورت ترکیبی است، یعنی با ستاک حال «دان-» و صورت امری فعل «بودن» شکل می‌گیرد:

b-e	باش	b-id	باشید
zun-be > zumbe	بدان (بدان باش)	zun-bid >	بدانید (بدان باشید)

۳-۹-۴. گذشته ساده

این ساخت همان‌گونه که قبلاً گفته شد در افعال لازم و متعدی متفاوت است. در افعال لازم با هم نشینی پیش‌فعل + ستاک گذشته + شناسه فعلی شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش‌فعل + ضمائر پی‌بستی + ستاک گذشته.

فعل لازم	فعل متعدی
be-hott-un	be=m-hiri
be-hott-e	be=d-hiri
be-hot	be=š-hiri
be-hott-im	be=mun-hiri
be-hott-id	be=dun-hiri
be-hott-and	be=šun-hiri

در ساخت دو فعل متعدی «آوردن» و «داشتن»، ضمایر پی‌بستی استثنائاً پس از ستاک گذشته قرار می‌گیرند. فعل «داشتن» بدون وند نمود (ناقص و کامل) صرف می‌شود.

b-ârd=eš	< *be=š-ârd	آورد	dârd=eš	< *be=š-	داشت
----------	-------------	------	---------	----------	------

در چند فعل که ستاک گذشته آنها مختوم به خوشه rd- است، این خوشه حذف می‌شود. این افعال همه متعدی هستند.

be=š-ba	< *be=š-bard	برد
be=š-ka	< *be=š-kard	کرد
be=š-xâ	< *be=š-xârd	خورد
be=š-hema	< *be=š-hemard	شکست
=eš dâ	< *=eš dârd	داشت

۳-۹-۵. گذشته استمراری

این ساخت نیز در افعال لازم و متعدی تصریفی متفاوت دارد. در افعال لازم با هم‌نشینی پیشوند نمود ناقص + ستاک گذشته + شناسه فعلی شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیشوند نمود ناقص + ضمایر پی‌بستی + ستاک گذشته.

فعل متعدی	فعل لازم
می‌خریدم	a=m-hiri
می‌خریدی	a=d-hiri
می‌خرید	a=š-hiri
می‌خریدیم	a=mun-hiri
می‌خریدید	a=dun-hiri
می‌خریدند	a=šun-hiri
می‌خواهیدم	a=hott-un
می‌خواهیدی	a=hott-e
می‌خواهید	a=hot
می‌خواهیدیم	a=hott-im
می‌خواهیدید	a=hott-id
می‌خواهیدند	a=hott-and

اگر واج آغازی ستاک گذشته واکه باشد، وند نمود ناقص به صورت at- ظاهر می‌شود:

at-uma-[y]un	می‌آمدم	at-uma-[y]im	می‌آمدیم
at-uma-[y]e	می‌آمدی	at-uma-[y]id	می‌آمدید
at-uma	می‌آمد	at-uma-[y]and	می‌آمدند

در تصریف گذشته استمراری فعل «آوردن»، در اثر بازتحلیل، همخوان وند نمود ناقص at- جزئی از ستاک گذشته فعل شده است:

a=š-tâ(rd)	< *a=š-ârd	می‌آورد
a=šun-tâ(rd)	< *a=šun-ârd	می‌آوردند

۳-۹-۶. گذشته نقلی (حال کامل)

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + فعل پی‌بستی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمائر پی‌بستی + صفت مفعولی.

فعل متعدی	فعل لازم
خریده‌ام	be-hotta-yun
خریده‌ای	be-hotta-ye
خریده‌است	be-hotta-ya
خریده‌ایم	be-hotta-yim
خریده‌اید	be-hotta-yid
خریده‌اند	be-hotta-yand

۳-۹-۷. گذشته بعید (گذشته کامل)

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + گذشته ساده فعل کمکی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمائر پی‌بستی + صفت مفعولی + صیغه سوم شخص مفرد گذشته ساده فعل کمکی «بودن».

فعل متعدی	فعل لازم
خریده بودم	be=m-hiriya-bo
خریده بودی	be=d-hiriya-bo
خریده بود	be=š-hiriya-bo
خریده بودیم	be=mun-hiriya-bo
خریده بودید	be=dun-hiriya-bo
خریده بودند	be=šun-hiriya-bo
	خواهیده بودم
	خواهیده بودی
	خواهیده بود
	خواهیده بودیم
	خواهیده بودید
	خواهیده بودند

۳-۹-۸. گذشته ابعد (گذشته کامل نقلی)

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صیغگان گذشته نقلی فعل کمکی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمائر پی‌بستی + صفت مفعولی + صیغه سوم شخص مفرد گذشته نقلی فعل کمکی «بودن».

فعل متعدی	فعل لازم
خریده بوده‌ام	be=m-hiriya-bedaya
خریده بوده‌ای	be=d-hiriya-bedaya
خریده بوده	be=š-hiriya-bedaya
	خواهیده بوده‌ام
	خواهیده بوده‌ای
	خواهیده بوده

be-hotta-bedayim	خواییده بوده‌ایم	be=mun-hiriya-	خریده بوده‌ایم
be-hotta-bedayid	خواییده بوده‌اید	be=dun-hiriya-	خریده بوده‌اید
be-hotta-bedayand	خواییده بوده‌اند	be=šun-hiriya-bedaya	خریده‌بوده‌اند

۳-۹-۹. گذشته التزامی

این ساخت در افعال لازم با هم‌نشینی پیش فعل + صفت مفعولی + حال التزامی فعل کمکی «بودن» شکل می‌گیرد و در افعال متعدی با هم‌نشینی پیش فعل + ضمائر پی‌بستی + صفت مفعولی + صیغه سوم شخص مفرد حال التزامی فعل کمکی «بودن».

فعل متعدی	فعل لازم
خریده باشم	be=m-hiriya-bö
خریده باشی	be=d-hiriya-bö
خریده باشد	be=š-hiriya-bö
خریده باشیم	be=mun-hiriya-bö
خریده باشید	be=dun-hiriya-bö
خریده باشند	be=šun-hiriya-bö

۳-۹-۱۰. آینده

ساخت خاصی برای آینده وجود ندارد و مانند فارسی از حال استمراری استفاده می‌شود.

۳-۹-۱۱. مصدر

در گویش طاری دو نوع مصدر وجود دارد: مصدر کامل که کاربرد کمتری دارد و با افزودن پسوند mun- به ستاک گذشته ساخته می‌شود؛ و مصدر مرخم که بیشتر در گروه فعلی و همراه

با افعال وجهی استفاده می‌شود. در ساخت مصدر مرخم افعال واکه‌ای، واج ناسوده [y] به آخر ستاک گذشته افزوده می‌شود.

مصدر فارسی	مصدر کامل	مصدر مرخم	ستاک گذشته
ساختن	sât-mun	sât	sât-
کشتن	koš(t)-mun	košt	košt-
مالیدن	mâlâ-y-mun	mâlâ-y	mâlâ-

دو مثال زیر کاربرد مصدر مرخم را در جمله نشان می‌دهد:

وَرمالیدن (= فرار کردن) کارِ مرد نیست	âr-mâlâ-y kâr=e merd neya
وقت برگشتن، نان بخر	vaxt=e vâ-gelâ-y, nun behrin

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله که نتیجه تحقیقی میدانی است، وضعیت ساخت فعل در گویش طاری متعلق به گویش‌های فلات مرکزی ایران (زیرگروه شمال شرقی) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد. همه ساخت‌های فعلی مانند بیشتر زبان‌های ایرانی نو مبتنی بر دو ستاک حال و گذشته است که در مواردی رابطه تصریفی منظم و مشخصی بین آنها مشاهده نمی‌شود و به همین دلیل افعال را می‌توان به دو گروه اصلی باقاعده و بی‌قاعده دسته‌بندی کرد. یکی دیگر از ویژگی‌های دستگاه فعل طاری، هم‌چون برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نوبی غربی، داشتن ساخت کُنایی یا ارگاتیو است، به این معنا که شیوه خاص و جداگانه‌ای را برای تصریف گذشته افعال متعدی صورت‌بندی کرده و آن استفاده از ضمائر پی‌بستی برای نشان دادن فاعل، به جای استفاده از شناسه‌های فعلی (وندهای مطابقت فاعلی) است. از دیگر ویژگی‌های صرفی مطرح‌شده و شایان توجه این

گوش، وجود ساختی تصریفی با استفاده از وندافزایی برای صرف فعل مجهول است که بازمانده ساخت مجهول دوره ایرانی میانه غربی است و مشابه یا قرینه‌ای در فارسی امروز ندارد. در این شیوه پسوند مجهول ساز -□- به ستاک حال فعل پیوسته و ستاک گذشته آن نیز همواره باقاعده است. این گوش ساخت جداگانه‌ای برای زمان آینده ندارد و حال استمراری (اخباری) برای این منظور به کار می‌رود. این مطالب نشانگر آن است که این گوش در مقایسه با فارسی نو، از نظر رده شناسی صرفی، ترکیبی‌تر است.

کتاب‌نامه

آهور، رفعت‌الزمان (۱۳۴۸)، بررسی سیستم کارواژه در گوش تار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران (به راهنمایی دکتر بهرام فره‌وشی).

اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، گنجینه گوش‌های ایرانی (استان اصفهان ۱)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Locoq, P. (2002), Recherches sur les dialectes kermaniens (Iran central), Acta Iranica 39, Leuven.